سطح بندی و باطن پذیری روایات تفسیری در بیان ائمه :

مهدی خوشدونی [1] دکتر عبدالهادی فقهی زاده [2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ـ پذیرش ۱۳۹۳/۶/۱۰

چکیده

روایات تفسیری موجود در تفاسیر روایی و مجموعه‌های حدیثی همه در یک سطح نبوده، دارای وجوه و سویه‌های معنایی مختلفی می‌باشند. دانش‌پژوهان معاصر علوم تفسیری با سطح بندی این روایات برای رفع تعارض ظاهری آنها اقدام کرده و برای احادیث صادره از معصوم 7 سطحی از تبیین و توضیح آیه را قائل شده‌اند. معصومان : خود نیز به سطوح گوناگون روایات خویش اشاره و تصریح نموده‌اند چنان که برای قرآن بطونی است، گاهی روایات تفسیری بطن پذیر و دارای سطوح مختلف معنایی هستند که به اقتضاء سطوحی از بطون قرآن، به تناسب درک مخاطب , نوع سؤال و ... بیان شده است. روایاتی متعدد از ائمه : بر اهمیت شناخت سویه‌های باطنی سخنان اهل بیت : و ارزش فهم عمیق و درایت مراد روایات تأکید دارند. پژوهش حاضر نشان داده معصومان : خود روایات تفسیری را در یک دسته‌بندی کلی به روایات تفسیر ظاهر و تفسیر باطن یا همان تأویلی تقسیم نموده‌اند و با این نگاه می‌توان تعارضی را که از این ناحیه در روایات تفسیری هست، حل کرد.

کلید واژها: روایات تفسیری، راهنمای معصومان : ، ظاهر و باطن، تأویل.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (پردیس قم) نویسنده مسئول email: hajmahdi133@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران

۱. پیشینه طرح

درباره روایات تفسیری و گونه شناسی و سطح بندی آنها به‌ویژه در دهه‌های اخیر کارهایی شکل گرفته است که می توان شروع موفق آن‌را در ***تفسیرالمیزان*** علامه طباطبایی در بخش روایی تفسیر دید. وی نخستین بار روایات تفسیری ، تأویلی و باطن ، جری و تطبیق را از هم تفکیک نمود. مورد دیگر مقاله پژوهشی «***روایات تفسیری شیعه ، گونه شناسی و حجیت***»، نوشته دکتر مهدی مهریزی در مجله علوم حدیث شماره ۵۵ است که مؤلف در آن، روایات اهل بیت : را به گونه‌های مختلفی تقسیم نموده است. از دیگر کارهای صورت گرفته دراین باره مقاله «***گونه‌شناسی روایات تفسیری***» از دکتر مهدی رستم‌نژاد مجله حسنا شماره ۱ است. در دو مقاله یادشده به طور جزئی به تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی روایات اهل بیت : پرداخته شده است. در مقاله‌ای نیز با عنوان «آسیب شناسی فهم روایات (تعارض؛ علل و عوامل آن)» از دکتر سید علی دلبری به عوامل تعارض اخبار معصومان : اشاره و دلایل آن ذکر شده است .

۲. بیان مسئله و هدف

بی‌شک هدف پژوهش حاضر گونه‌شناسی جزئی روایات تفسیری نیست و نیز به علل تعارض موجود در کلیت احادیث نظری ندارد، بلکه هدفش نشان دادن این حقیقت است که تقسیم بندی و سطح بندی روایات به ظاهر و باطن و وجود تأویل در روایات تفسیری ریشه در بیان معصوم 7 دارد و آنان ما را از گوناگونی روایات در تفسیر قرآن کریم ـ متناسب با سطح ظاهر و باطن قرآن کریم و فهم مخاطب ـ مطلع کرده و مخاطبان را به دقت و درایت در جهت فهم این حقیقت رهنمون ساخته‌اند. همچنین در ادامه به تعارضاتی در روایات تفسیری که بدین‌سبب ایجاد شده است، پرداخته و تأکید کرده‌ایم

با گونه شناسی کلی (تفکیک روایات تفسیری به ظاهر و باطن یا همان تأویل) این اختلاف قابل حل است.

بدین‌سان در این پژوهش برآنیم با توجه به اشارات خود معصومان : برگوناگونی و اختلاف سطوح روایات خود بر باطنی و تأویلی بودن بعضی روایات تفسیری صحه گذاریم. بی‌گمان غفلت از این معنا و سوء فهم در تعامل با برخی از این روایات باعث شده است که از یک سو، غالیان و مخالفان دانسته یا ندانسته، از آنها سوء استفاده کنند و از سوی دیگر برخی آنها را کنار نهند.[1]

۳. تصریح ائمه : برگوناگونی روایات و لزوم دقت و درایت در آنها

براساس دلایل و شواهد گوناگون، زبان قرآن همگون با آنچه در میان خردمندان اهل زبان متعارف است، می‌تواند مشتمل بر هریک از حوزه‌های مختلف زبانی باشد، مشروط براینکه به بطلان و نااستواری آیات الهی نینجامد. پیشوایان دین با وقوف کامل به این ویژگی قرآن، بیانات تفسیری خود را عرضه داشته و گاه به صراحت از باطنی و تأویلی و کنایی بودن معنای آنها یاد کرده‌اند.[2] ائمه : بارها به این نکته اشاره فرموده‌اند که روایات آنها مختلف و دارای جهات متفاوت معنایی می‌باشد و راوی و ناقل علاوه بر نقل روایات باید به تفقه و فهم آنها نیز اهتمام داشته باشد، تا بتواند وجوه دقیق معنایی مورد نظر ائمه : را دریابد و از آن روایات کمال استفاده را ببرد و آن‌را به دیگران منتقل نماید.

بی شک حدیث و روایت، دومین منبع دین و میراث پیامبر اسلام 9 و اهل‌بیت : است. از این رو، همان گونه که قرآن کریم نیازمند تبیین، تفهیم و تفسیر است، روایات و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت : نیز نیازمند تفسیر و تفهیم است. حضرت علی 7 می فرماید: «اِعقِلُوا الخَبَرَ اذا سَمِعتمُوه عَقل رِعایةٍ لا عقل روایة،

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. مسعودی، عبدالهادی، ***آسیب شناخت حدیث***، ص۲۲۶

۲. بنگرید به: برقی، احمد، ***المحاسن***، ص ۳۰۰؛ عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیرالعیاشی***، ج ۱، ص۱۲؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ***من لایحضره الفقیه***، ج ۲، ص ۴۸۵.

فإنّ رُواةَ العلمِ كثيرٌ و رُعاتَه قَليلٌ ...»[1]؛ اخباری را که می‌شنوید پیرامون آن تفکر کنید، زیرا راویان علم بسیارند و درک کنندگان آن اندک... .

در حدیثی دیگر از امام صادق 7 آمده است که ایشان می‌فرماید:

«حديثٌ تَدريه خَيرٌ من ألفِ حديثٍ تَرويه، ولا يَكونُ الرجلُ منكم فقيهاً حتى يعرف مَعاريض كلامنا...»[2]؛ حدیثی که آن‌را بفهمی بهتر است از اینکه هزار حدیث را روایت کنی، هیچ یک از شما فقیه نیست مگر اینکه کنایه‌ها و اشارات سخن ما را درک نماید.

همچنین امام صادق 7 می‌فرماید: «أنتم أفقه الناسِ إذا عَرفتُم مَعانی كلامنا»[3]؛ شما فقیه‌ترین مردم هستید در صورتی که معانی و منظور سخنان ما را درک نمایید.

در این روایات معصوم : ضمن تشویق به درک سخن اهل بیت : بر استفاده از عقل و درایت در هنگام مواجهه با روایات تأکید می‌کند؛ از این رو، هیچ کس با اولین برخورد و فهم معنای ابتدایی از حدیث نمی‌تواند جایگاه و منظور حقیقی کلام معصومان : را درک نماید.

معصومان : خطر طرد و انکار روایات مستصعب (مشکل فهم) را بدون اینکه حقیقت آنها مکشوف شود گوشزد نموده و از آن بر حذر داشته‌اند؛ به عنوان نمونه به این روایت از امام باقر 7 اشاره می‌نماییم:

جابر بن عبدالله به نقل از امام باقر 7 می‌گوید که ایشان فرمود: رسول خدا 9 فرمود: همانا حدیث آل محمد 9 سخت و مشکل فهم است و جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده‌ای که خدا دلش را به ایمان آزموده، به آن ایمان نیاورد؛ پس هر حدیثی از آل محمد 9 که به شما رسید و قلب شما در برابر آن آرامش یافت و آن را آشنا دید،

---

۱. سیدرضی، ***نهج البلاغه***، ص ۶۴۴؛ ری‌شهری، محمد، ***میزان الحکمه***، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ***معانی الاخبار***، ص ۱ و ۲.

۳. همان.

بپذیرید و هر حدیثی که قلبتان از آن آرامش نیافت ونا آشنایش دیدید، [حقیقت معنای] آن را به خدا و رسولش 9 و همچنین فرد عالمی به [آموزه‌های] آل محمد 9 بسپارید. بدانید کسی که توان فهم حدیثی را ندارد و وقتی آن‌را می‌شنود سوگند یاد می‌کند که به خدا این روایت این گونه نیست، هلاک شده است و انکار [روایت] همان کفر است. [1]

امام باقر 7 در این روایت به مخاطبان احادیث هشدار می‌دهد که فهم برخی از آنها آسان نیست و چه بسا هر کسی نتواند حقیقت معنای آن‌را دریابد و در این صورت شایسته نیست که اصل وجود روایت و صدور آن از معصوم 7 را انکار کند؛ چه اینکه مطابق بیان معصوم 7 ، این انکار چه بسا بزرگ‌ترین آسیب و صدمه را بر مخاطب و خواننده روایت متوجه می‌کند، تا جایی که ممکن است در نهایت به کفر او بینجامد.

امام رضا 7 می فرماید: همانا در اخبار ما نیز متشابهی مانند متشابه قرآن و محکمی مانند محکم قرآن است و شما نباید از متشابه بدون رجوع به محکم آن پروی کنید که به گمراهی خواهید افتاد. [2]

در توضیح این مطلب باید یادآور شد: تشابه اخبار، موضوعی فراتر از اشتراک لفظی است؛ زیرا در اشتراک لفظ ، بحث از تعدد معانی یک کلمه است که غالباً در شرایط گوناگون استعمال شده است ، اما در حدیث متشابه معانی ظاهری الفاظ مراد نمی‌باشد و در نتیجه تأویل ضرورت پیدا می‌کند. [3]

حاصل سخن اینکه همه روایات اهل بیت : در یک سطح معنایی نبوده، برخی از آنها به تبیین نیاز دارد و بسا که منظور بعضی از آنها پرده‌برداری از بطون آیات قرآن کریم باشد. از این رو راوی باید با فهم ، درک و با دقت به نقل آن بپردازد و بتواند سطوح مختلف و بطونی را که آن روایات بدان اشاره دارد، درک کند. بنابراین نمی توان با برخورد با هر روایت به ظاهر متعارض در توضیح یک آیه گمان جعل یا غلو بر آن روایت برد.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۰۱.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ***عیون اخبار الرضا*** 7 ، ج۲، ص ۱۲۶.

۳. معارف، مجید، ***شناخت حدیث***، ص ۴۸.

۴. تأکید معصومان : بر وجود ظاهر و باطن در روایات تفسیری

معصومان : در بیانات و عبارات مختلف تصریح کرده‌اند همان‌طور که برای قرآن ظهر و بطنی است، روایات آنها هم در توضیح آیات قرآن کریم ناظر بر این حقیقت است. مطابق بیان ائمه : [1] گاهی روایات آنان ناظر بر تفسیر ظاهر و گاهی روایات ایشان در زمینه باطن (تأویل) قرآن کریم است. بنابراین در فهم مقصود کلام معصومان : آنجا که احادیث معارض به نظر می رسند، توجه به ظهر و بطن در احادیث تفسیری مؤثر است. [2] بدین منظور دسته‌ای از روایات، آیات قرآن را «ذو وجوه» و چند بُعدی معرفی می‌کند و به ابعاد و لایه‌های گونه‌گون آیات اشاره داشته [3]، گاه این وجوه و ابعاد را تحت عنوان وجوه تأویلی و باطنی در برابر وجوه تنزیلی و ظاهری بیان نموده است [4]؛ اما به نظر می‌رسد به رغم مباحث گسترده‌ای که در زمینه توضیح مقصود این‌گونه روایات مطرح شده، حمل آن بر همان وجوه گوناگون، تأویلی و باطنی استوارتر است.

بنابر آنچه گفته شده، تفسیر در حیطه الفاظ و ظواهر قرآن برای درک مراد خداست. [5] و

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. بنگرید به: کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ج۲، ص ۱۵۶؛ بحرانی، سید هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، ج ۱، ص۴۶؛ فیض کاشانی، ملا محسن، ***تفسیر الصافی***، ج ۱، ص۲۹؛ مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، ج ۸۹، ص۸۳.

۲. بنگرید به: مسعودی، عبدالهادی، ***روش فهم حدیث***، ص۱۹۹.

۳. بنگرید به: طبرسی، فضل بن حسن؛ ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، ص۸۱، مقدمه؛ سیوطی، جلال‌الدین، ***الإتقان فی علوم القرآن***، نوع۳۹.

٤. بنگرید به: عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیر العیاشی***، ج۱، ص۱۱ و ۱۲؛ حرّ عاملی، ***وسائل الشیعة***، ج۲۷، ص ۱۹۲.

۵. بنگرید به: آلوسی، سید محمود، ***روح المعانی***، ج ۱، ص۴؛ زرقانی، محمد عبدالعظیم، ***مناهل العرفان***، ج ۲، ص ۴؛ ذهبی، محمد حسین، ***التفسیر و المفسرون***، ج ۱، ص۱۴؛ رجبی، محمود و جمعی از نویسندگان، ***روش شناسی تفسیر قرآن کریم***، ص ۲۰ و ۲۳؛ نجارزادگان، فتح الله، ***رهیافتی به مکاتب تفسیری***، ص ۲۴.

تأویل در حیطه غیر ظاهری (باطن) قرآن کریم بیشترین کاربرد را دارد.

پیامبر اکرم 9 می‌فرماید: «ما فی القرآن آیة الا و لها ظهرٌ و بطن»[1]؛ در قرآن آیه‌ای نیست مگر آنکه ظهر و بطن دارد.

بنابراین همان‌گونه که برای قرآن ظهر و بطن است روایات تفسیری قرآن نیز گاهی ناظر برتفسیر ظاهر قرآن و گاهی باطن آن است. امام باقر 7 می‌فرماید: «ما یَستطیع أحَد أن یدّعی أنّه جَمَع القرآن کُلّه، ظاهره وباطنه غیر الاوصیاء»[2]؛ این روایت صراحت دارد که درک ظاهر و باطن قرآن به‌طور مطلق در اختیار معصوم 7 است و بی شک بیان و توضیح آنها درباره ظاهر و باطن قرآن، تفسیر ظاهر و باطن آیات خواهد بود.

در جایی دیگر امام باقر 7 در پاسخ به سؤالی درباره ظاهر و باطن قرآن فرمود: «ظَهرُه تَنزیله و بَطْنه تأویله، مِنه ما مَضی و مِنه ما لَمْ یَکن بعد، یجری کما یجری الشمس و القمر کلّما جاء مِنه شَیء وَقَع، قال الله تعالی: **(وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ)** نحنُ نَعلمُه»[3]؛ ظاهر قرآن همان تنزیل (تفسیر) آن. است و باطن قرآن همان تأویل آن بعضی از آنها رخ داده، و بعضی بعداً رخ می‌دهد. قرآن با گردش و جریان خورشید و ماه جریان دارد، در هر چرخی که آنها می‌زنند، و حوادثی که می‌آورند، و خداوند می فرماید: «تأویل آیات قرآن کریم را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند» و ما از آن تأویل آگاهیم.

به بیانی دیگر، معصوم 7 می‌فرماید: آنچه ما از ظاهر قرآن برای شما می‌گوییم مربوط به تنزیل و آنچه از باطن قرآن برایتان می گوییم تأویل آن است.

دسته‌ای دیگر از روایات معصومان : ضمن بیان و یا اشاره به ظهر و بطن قرآن، به گوناگونی و تفاوت روایات تفسیری حتی در توضیح یک آیه به صراحت اشاره دارند:

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. بنگرید به: متقی هندی، ***کنز العمال***، ج ۱، ص۵۵۰؛ عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیر العیاشی***، ج۱، ص ۱۱.

۲. صفار، محمد بن حسن، ***بصائر الدرجات***، ص۲۱۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ج۱، ص۲۲۸.

۳. فیض کاشانی، ملا محسن، ***تفسیر الصافی***، ج ۱، ص۲۹؛ بحرانی، سید هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، ج۱، ص۴۶.

جابر می‌گوید از امام باقر 7 درباره تفسیر آیه‌ای از قرآن پرسیدم، سؤال من را پاسخ فرمود. سپس برای بار دوم از همان چیز سؤال کردم و این بار ایشان به گونه‌ای دیگر پاسخ فرمود. من گفتم: فدایت شوم! شما قبلاً در این مسئله به من جواب دیگری غیر از جواب امروز داده بودید. ایشان به من فرمود: «ای جابر! همانا برای قرآن باطنی است و برای باطن آن نیز باطن و ظاهری است و برای ظاهر آن نیز ظاهری است...».[1]

در روایتی دیگر آمده: «عبدالله بن سنان از ذریح محاربی نقل کرده است که گوید: به امام صادق 7 گفتم: خداوند در کتاب خود به من فرمانی داده است که دوست دارم تفسیر آن را بدانم. فرمود: آن چیست؟ گفتم آیه: (**ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ**)[2] [حج/ ۲۹]. فرمود: کوتاه کردن موی شارب و چیدن ناخن‌ها و مانند آن. گفتم: فدایت شوم! ذریح محاربی از شما برای من نقل کرده است که شما به او فرمودید: لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ دیدار با امام 7 وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ انجام دادن آن مناسک است؟

حضرت فرمود: ذریح راست گفته است و تو نیز راست می‌گویی. همانا برای قرآن ظاهری و باطنی است و چه کسی تحمل می‌کند آنچه را که ذریح تحمل می‌کند».[3]

با توجه به روایات یادشده، امام 7 به این مسئله تصریح دارد که بعضی از احادیث که از ما در زمینه تفسیر قرآن صادر می‌شود درباره ظاهر قرآن و بعضی درباره باطن قرآن است که اینها باهم متفاوت هستند. همچنین از این روایات استفاده می‌شود که حتی روایات باطنی نیز مختلف و متفاوت می‌باشند. مرحوم غفاری در توضیح حدیث اخیر می گوید: این حدیث از روایاتی است که مختص به زمان حیات [و حضور] معصوم 7 است و وجه مشترک بین تفسیر و تأویل در این روایت طهارت و پاکیزگی است، اما یکی

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. بحرانی، سید هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، ج ۱، ص ۴۶.

۲. سپس باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند ... .

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ج ۴، ص۵۴۹؛ مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، ج ۸۹، ص۸۳.

پاکیزگی از آلودگی‌های ظاهری و دیگری پاکیزگی از جهل و کوردلی .[1]

باز در حدیثی دیگر از امام صادق 7 این‌گونه روایت شده است:

عمربن یزید می‌گوید درباره آیه: (**وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَاللهُ بِهِ أَن يُوصَل**) [رعد/ ۲۱] پرسیدم؟ ایشان فرمود: این آیه درباره پیوند با خاندان محمد 9 نازل شده است. البته چه بسا درباره پیوند با خویشاوندان تو نیز گاهی صادق باشد. سپس ایشان فرمود: از آنان مباش که می‌گویند این بخش از قرآن فقط درباره یک چیز است. [و تفسیر و منظور دیگری ندارد].[2]

امام صادق 7 در این روایت تفسیر تک بُعدی قرآن را به‌طور کلی رد می‌کند. این حدیث به طور ضمنی نیز به این مسئله اشاره دارد که اهل بیت : تفاسیر مختلفی از آیات قرآن کریم را بیان می‌کنند و اینکه هریک از آیات قرآن کریم در سطوح معنایی مختلفی می‌تواند قرار گیرد و روایات مختلف و متعارض درباره یک آیه هریک به منظور خاصی از آن اشاره دارند، بی آنکه با یکدیگر تعارض حقیقی داشته باشند.

۵. نمونه‌هایی از روایات ائمه : در تفسیر ظهر و بطن آیات قرآن

یکی از وجوه تازگی و نوبودن قرآن کریم ،اشتمال این کتاب بر بطون یا لایه‌های معنایی(تأویلات) است، بدین سان که یک عبارت یا سیاق آن می‌تواند در خود ، معانی متعدد طولی را به همراه داشته باشد که بر فهم‌های مختلف ، آشکار می‌گردند، و همچنان که یاد شد، روایات ائمه : به این موضوع اشاره دارند.

در تفاسیر روایی شیعه[3] ، روایات متعددی، با مضامین و تعابیر گوناگون و گاه با تفسیری کاملاً متفاوت و متعارض نسبت به هم در ذیل یک آیه قرآن کریم مشاهده

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. الکلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ج ۴، پاورقی ص۵۴۹.

۲. همان، ج۲، ص۱۵۶.

۳. همچون تفاسیر ***قمی***، ***الصافی***، ***البرهان***، ***نورالثقلین*** و....

می‌شود که تنها با دسته‌بندی آنها (طبق اشاره معصوم 7) می‌توان تعارض ابتدایی و اختلاف فهم آن را روشن کرد و بدین وسیله به وجوه معنایی مورد نظر ائمه : در روایات پی برد.

آسیبی که زمینه این سوء فهم را فراهم آورده ، همسان پنداری و هم درجه دیدن این روایات با روایات تفسیری (ظاهری)است [1] که در ادامه، به نمونه‌هایی از این روایات مختلف درباره یک آیه قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۵ ـ ۱ مثال یکم:

به عنوان نمونه، در تفسیر آیه ۱۶ سوره نحل دو روایت با تعابیری کاملاً مختلف نقل شده است:

۱. امام صادق 7 دربارهٔ آیه **(وَعَلامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ)** [2] می‌فرماید: منظور ستاره جُدَی است؛ زیرا آن ستاره‌ای است که غروب نمی‌کند ، بنای قبله برآن است و به‌وسیله آن ، اهل خشکی و دریا راهنمایی می‌شوند. [3]

۲. اسباط می‌گوید: هیثم از امام صادق 7 از آیه: **(وَعَلامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ)** پرسید ومن نیز نزد آنها بودم، ایشان فرمود: [منظور از] نجم رسول خدا 9 است و [منظور از] علامات، امامان : می‌باشند. [4]

در این دو روایت، دوگونه تعبیر و تفسیر مختلف و ناهمگون در تبیین یک آیه ذکر شده است که ظاهر الفاظ این آیه تحمل هر دو معنا را به راحتی نداشته و نمی‌توان این تعابیر را در یک لفظ جمع کرد و از طرفی هر دو نیز از یک معصوم 7 صادر شده‌اند.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. مسعودی، عبدالهادی، ***آسیب شناخت حدیث***، ص ۲۲۶.

۲. و (نیز) علاماتی قرار داد و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند.

۳. بحرانی، سید هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، ج ۳، ص ۴۰۹.

٤. همان، ج ۳، ص ۴۰۸.

اما با قبول این دیدگاه که هریک از این روایات در جهت معنایی خاصی صادر شده، تعارض ظاهری از میان می‌رود. براین اساس، روایت نخست در زمینه تفسیر ظاهر و روایت دوم در زمینه تفسیر باطن و تأویل آیات قرآن کریم صادر شده است . به بیانی دقیق‌تر، روایت نخست در زمینه مصادیق ظاهری آیه بحث کرده(که با ظاهر لفظ نیز هم‌خوانی دارد)، ولی روایت دوم در زمینه مصادیق باطنی و پنهان است که حقیقت آن تنها با بیان معصوم 7 برای ما روشن شده است. چنین روایتی، درصدد محدود کردن معنای آیه نیست و حتی خود نیز محدودیت ندارد، بلکه فقط چند مصداق را برای ارائه نمونه ذکر کرده است.[1] با این نگاه و درک این حقیقت، دیگر هیچ تعارض و کج فهمی از روایات فوق به ذهن تبادر نمی‌کند و وجوه معنایی مورد نظر ائمه : در هریک از این روایات به طور دقیق شناخته می‌شود و هر دو روایت در جای خود کاربرد خود را حفظ نموده‌اند.

۵ ـ ۲ مثال دوم :

نمونه دیگر به روایاتی است که در تفسیر آیه ۸ سوره تکاثر نقل شده است:

۱.حضرت علی 7 در تفسیر آیه (**ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ**) فرمود: [منظور از نعیم] خرما و آب خنک می باشد.[2]

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید : منظور امنیت ، صحت و سلامتی است.[3]

۲. امام صادق 7 در مورد آیه (**ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ**) فرمود: منظور از نعیم ما (اهل بیت :) هستیم.[4]

براساس آنچه یادشد، روایات گروه اول درباره تفسیر ظاهر آیه بوده، مصادیق ظاهری آیه را بیان می‌نماید، اما روایت گروه دوم درباره تفسیر باطن و در زمره مصادیق باطنی آیه

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. بنگرید به: مسعودی، عبدالهادی، ***آسیب شناخت حدیث***، ص۲۲۶.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ***عیون اخبار الرضا*** 7 ، ج۱، ص۴۲.

۳. بحرانی، سید هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، ج ۵، ص۷۵۰.

٤. همان، ج۵، ص۷۴۸.

است. مصادیق یاد شده در هریک از این روایات انحصاری نبوده و معصوم 7 در آنها مصادیق متنوع باطنی و ظاهری آیه را روشن می‌نماید که هریک در جای خود نعیم هستند و هیچ گونه تعارضی با هم ندارند.

در واقع روایات دسته دوم معرفی کننده اهل بیت : به عنوان مصداق اتم نعمت الهی می‌باشند و بدین‌سان به روشنی منظور و مفهوم کلام معصوم 7 فهمیده می‌شود.

آنچه در تبیین تعارض پیش آمده در روایات مختلف تفسیری یادشد و شیوه‌ای که در شرح روایات متعارض آورده شد، در بیان معصومان : آمده است و آن بزرگواران نیز، چنان که ذکر شد، به همین شیوه دیگران را در حل تعارض اخبار خود رهنمون ساخته‌اند و بدان به‌طور صریح و یا ضمنی اشاره کرده‌اند.

۶. نتیجه

یکی از راه‌هایی که می‌توان مشکل فهم معنایی روایات مختلف معصومان : را در یک موضوع و یا یک آیه از قرآن کریم برطرف نمود، دسته‌بندی روایات به گونه‌های مختلف (بطور کلی روایات تفسیر ظاهری و تفیسر باطنی «تأویلی») است؛ راهکاری که اهل بیت : خود، ما را بدان رهنمون ساخته‌اند.

منابع

۱. *قرآن کریم*.
۲. آلوسی ،سید محمود،***روح المعانی***،دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸هـ. ق.
۳. ابراهیمی، ابراهیم،***کیفیت تحلیل و نقد حدیث***، جهاد دانشگاهی ، بوستان کتاب،چاپ اول ، ۱۳۸۹ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (الشیخ الصدوق)، ***عیون اخبار الرضا*** 7 ، تحقیق سید مهدی حسینی لاجوردی،منشورات جهان، تهران.
۵. ـــــــــــ، ***معانی الأخبار***، تصحیح وتحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین بقم المشرفة، ۱۳۷۹ش.
۶. ـــــــــــ، ***عیون اخبار الرضا*** 7 ، ترجمه علی‌اکبر غفاری، مستفید ،نشر صدوق،

بی تا.
۷. ــــــــــــ ، ***من لا یحضره الفقیه***، دار الاضواء، بیروت ، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۸. صفار، محمد بن حسن، ***بصائر الدرجات***، تصحیح، تعلیق و مقدمه از میرزا حسن کوچه باغی، منشورات الأعلمی، تهران، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۲ ش.
۹. اسعدی، محمد و همکاران، ***آسیب شناسی جریان های تفسیری***، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،قم، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، بنیاد بعثت،تهران،۱۴۱۶هـ. ق.
۱۱. برقی ، احمد، ***المحاسن***، دارالکتب الاسلامیه، قم، بی تا.
۱۲. حرّعاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعه***، مؤسسة آل البیت : لإحیاء التراث، قم.
۱۳. ذهبی، محمد حسین ، ***التفسیر و المفسرون***، دارالقلم ،بیروت ، بی تا.
۱۴. رجبی محمود و جمعی از نویسندگان، ***روش شناسی تفسیر قرآن کریم***، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ دوم ،زمستان ۱۳۸۵ش.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، ***مناهل العرفان***، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸م.
۱۶. سیدرضی، ***نهج البلاغه***، ترجمه محمد دشتی، لاهیجی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، ***الإتقان فی علوم القرآن***، المکتبة الثقافیة، بیروت، ۱۹۷۳م.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، انتشارات ناصر خسرو، تهران،۱۳۷۲ش.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیر العیاشی***، المکتبة العلمیة الإسلامیة، تهران.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، ***تفسیر الصافی***، الصدر ، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ***تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب***، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی ، تهران ، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، تصحیح وتعلیق علی اکبر الغفاری، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۲۳. متقی هندی، ***کنز العمال***، تحقیق، ضبط و تفسیر از شیخ بکری حیانی، تصحیح و فهارس از الشیخ صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
۲۴. محمدی ری‌شهری، محمد، ***میزان الحکمه***، تهران، دارالحدیث، چاپ اول ،۱۴۱۶ هـ. ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ***بحار الانوار***، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳هـ.ق.
۲۶. مسعودی، عبدالهادی، ***آسیب شناخت حدیث***، دانشکده علوم حدیث،انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۷. ــــــــــــ ، ***روش فهم حدیث***، انتشارات سمت،دارالحدیث، تهران، چاپ چهارم،

۱۳۸۷ش.
۲۸. مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۹. معرفت، محمد هادی، ***علوم قرآنی***، انتشارات التمهید و سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۳۰. معارف، مجید، ***شناخت حدیث***، نبأ، تهران ۱۳۸۷ش.
۳۱. نجارزادگان، فتح الله، ***رهیافتی به مکاتب تفسیری***، دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۸۷ش.